# تنها مجله نیم قرنی کشور

دکتر محمدجعفر یاحقی از پیشینه مجله دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد می‌گوید

گفت‌وگو

طوبی اردلان| از میان اندک نمونه‌های باقی‌مانده در نشریه‌های متعدد ادبی مشهد چاپ و منتشر می‌شدند جز چندمورد انگشت‌شمار باقی نمانده‌اند. مجله دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی یکی از همین مجله‌های ادبی و پژوهشی است که توانسته است حضوری پنجاه‌ساله را درمیان رسانه‌های مکتوب تجربه کند. دکتر محمدجعفر یاحقی، از مدیران پیشین آن، تاریخ تأسیس این مجله را به بهار سال ۱۳۴۴ می‌رساند و می‌گوید: این اتفاق خوشایند به همت دکتراحمدعلی رجایی بخارایی که در آن زمان ریاست دانشکده ادبیات را بر عهده داشت رقم خورد. مجله در ابتدا «مجله دانشکده ادبیات مشهد» نام گرفت و مدیر مسئولی آن را نیز شادروان دکتر جواد حدیدی برعهده داشت.

این استاد ادبیات ادامه می‌دهد: مطالب این مجله در سال‌های ابتدایی انتشار به مقاله‌ها و پژوهش‌های ارزنده‌ای اختصاص داشت که فقط و فقط به قلم استادان نام‌دار و برجسته دانشگاه به رشته تحریر در می‌آمد و نوشته دانشجویان را در آن چاپ نمی‌کردند اما چند سالی هست که مقاله‌های دانشجویی موردتأیید استادان نیز اجازه چاپ و انتشار در مجله را دارند. علاوه بر این، اگر مقاله گران‌سنگی از خارج دانشگاه یا حتی خارج کشور برسد، چاپ و منتشر می‌شود.

به گفته یاحقی، در بهار ۱۳۴۸، با تغییرنام دانشکده ادبیات به دانشکده ادبیات و علوم انسانی، این مجله به «مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد» تغییرنام داد. چاپ مجله هم تا سال ۱۳۵۸ با همین رویه ادامه داشت اما در این سال، به دلیل تحولات انقلاب، به مدت دو سال متوقف شد: البته این سرنوشتی بود که برای همه نشریات در آن برهه زمانی رخ داد اما نشریه مدنظر دوباره با همان شکل و سیاق گذشته شروع به کار کرد.

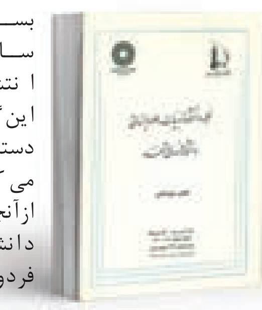

او موضوعات منتشرشده در این مجله را بسته به سال‌های انتشار این‌گونه دسته‌بندی می‌کند: از آنجاکه دانشگاه فردوسی در دهه ۴۰ و سال‌ها پس از آن تنها صاحب یک نشریه بود، مطالب منتشرشده در این مجله به مقاله‌های علمی و تخصصی با موضوعات زبان‌شناسی، ادبیات فارسی، جغرافیا، تاریخ و ... اختصاص داشت اما در سال ۱۳۸۲ به دستور وزارت علوم مبنی بر تخصصی شدن مجلات بر اساس رشته‌های دانشگاهی، مجله ادبیات و علوم انسانی به هفت مجله تخصصی زبان انگلیسی، زبان عربی و ... تقسیم شد.

این استاد دانشگاه تصریح می‌کند: در واقع، همه این مجله‌ها فرزندان همان مجله تخصصی ادبیات و علوم انسانی هستند. این مجله در سال ۱۳۸۸ برای چندمین‌بار تغییر نام داد و مسئولان دانشگاهی نام «جستارهای ادبی» را برای آن برگزیدند که البته چندان پایدار نماند؛ در سال‌های اخیر، مجله به دلیل تشابه نام با مجله ادبی دیگری، «جستارهای نوین ادبی» نام گرفته است.

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد در معرفی هیئت تحریریه این مجله نیز توضیح می‌دهد: اعضای هیئت تحریریه مجله استادان دانشگاه بودند که هر چندسال، بنا به شرایط استادان، تغییر می‌کردند. بعدها مصوب شد که مجله می‌تواند از بیرون دانشگاه هم عضو تحریریه بپذیرد و هم‌اکنون نویسندگانی هم دارد.

«یادنامه» و «یادگارنامه» عنوان ویژه‌نامه‌هایی است که به شخصیت‌های علمی دانشگاه فردوسی مشهد تعلق دارد. دکتر یاحقی دراین‌باره توضیح می‌دهد: این ویژه‌نامه‌ها به مناسبت‌های مختلف نظیر سالروز تولد یا سالروز فوت این استادان در مجله ادبیات دانشگاه فردوسی چاپ می‌شود؛ یعنی ما گهگاه یک شماره از مجله را به مقاله‌هایی که آن چهره علمی در گذشته نوشته است و یا مرتبط با اوست اختصاص می‌دهیم که با عنوان «یادنامه» یا «یادگارنامه» شناخته می‌شوند. به گفته مدیر پیشین مجله تخصصی ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، این مجله تنها مجله ادبی در تمام کشور است که حدود نیم سده است که منتشر می‌شود و زمستان امسال، شماره انتشار آن به عدد ۲۰۰ می‌رسد. دکتر یاحقی توضیح می‌دهد که قرار است طی مراسمی، از ویژه‌نامه این شماره رونمایی شود. به همین مناسبت، تعدادی از مقاله‌هایی که در این سال‌ها در این مجله چاپ و منتشر شده‌اند نیز به‌صورت کتاب تجدید چاپ خواهند شد.

# چندصدایی منفی ادبیاتی‌ها

کیمیا استاد

حسین آتش‌پرور، پیش‌کسوت داستان‌نویسی مشهد که هم‌اکنون دبیر بخش داستان مجله ادبی بین‌المللی «نوشتا» است، طی سال‌های ۵۸ و ۵۹ همراه با محمود خوافی، جواد اسحاقیان و ساغر ساغرنیا، دست‌اندرکار تهیه فصلنامه «بینالود» بوده است. از این نشریه تخصصی ادبی فقط دو شماره منتشر شده‌است.

افزون بر این، آتش‌پرور طی همان سال‌ها به انتشار کتابچه‌ای با نام «حرف‌های بچه‌های بهرنگ» دست می‌زند که در حوزه ادبیات کودک است اما عمر آن نشریه نیز به دوشماره بیشتر قد نمی‌دهد. او درباره دلیل تعطیلی این نشریات چنین می‌گوید: سال ۶۰ همه‌چیز جمع شد. در فضای سیاسی و درگیری‌های گروه‌ها در آن زمان، اصلا نمی‌شد ادامه داد. به کتاب‌فروشی‌ها و افرادی که جلو کتاب‌فروشی‌ها بساط می‌کردند و کتاب می‌فروختند حمله می‌کردند و کتاب‌ها را می‌سوزاندند. آنجا همیشه شلوغ بود و درگیری پیش می‌آمد.

نویسنده مجموعه داستان «اندوه» در مرور سابقه مطبوعات ادبی مشهد به سال ۶۹ و مجله «خاوران» می‌رسد: مدیرش حسن میرنژاد و سردبیرش احمد فیلی بود که مطلب‌رسانی‌اش با محمود خوافی و من در شروع کار تا چندین شماره بود و در شماره۵ آن داستان دارم. ماهنامه‌ای بود که بعد به فصلنامه تبدیل شد اما در نهایت، از این نشریه هم چند شماره بیشتر منتشر نشد.

او در ادامه به جُنگ‌های ادبی نشریه‌گونه‌ای می‌پردازد که به شکل کتاب منتشر می‌شدند: کتابچه «دریچه تازه» مجموعه‌ای از آثار داستان‌نویسان خراسانی مطرح در ایران مثل محمود دولت‌آبادی و اصغر الهی در سال ۶۷ بود. البته دسترسی به رضا دانشور نبود و داستان خانم غزاله علیزاده دیر رسید. این کتاب به کوشش محمود سروقد چاپ شد. نام مجموعه داستان دوم «خوابگرد» بود که این هم جُنگ داستانی از آثار داستان‌نویسان خراسانی و ایرانی مثل گلشیری و ربیحاوی بود که سال ۶۹ منتشر شد.آتش‌پرور تأمین هزینه‌ها و نبود پشتیبان مالی را یکی از عواملی می‌داند که سد راه فعالیت نشریات خصوصی است. افزون بر این می‌گوید: البته مسائل دیگری هم بر این موضوع اثرگذار است. فضای اجتماعی حاکم بر مشهد یکی از مهم‌ترین آن‌هاست زیرا این فضا در مقایسه با دیگر شهرها بسته و حتی بن‌بست است. اینجا به علت مهاجرپذیری بسیاری که دارد، صداهای مختلفی از آن بلند می‌شود که نمی‌توانند همدیگر را تحمل کنند. در واقع، طیف‌ها و گروه‌های مختلفی در این شهر زندگی می‌کنند که نمی‌توانند همسو شوند و زمان می‌برد تا به آزاداندیشی برسند. فرض بگیرید اگر من در نشریه‌ام از فلان نویسنده نام ببرم، از دیگری حرفی نمی‌زنم و اگر دقت کنید، می‌بینید همان معدود نشریاتی هم که در این سال‌ها فعالیت داشته‌اند، فقط بخشی از محتوای خود را از اهالی ادبیات مشهد تأمین می‌کردند و بیشترین محتوا از خارج از مشهد فراهم می‌آمد. از طرفی، با تغییر فضای سیاسی، فضای فعالیت ادبی هم در مشهد تغییر می‌کند. به همین دلایل است که نشریات تخصصی ادبی نمی‌توانند در آن پا بگیرند و فعالیتشان ادامه‌دار باشد.

**جویس کرول اوتس، نویسنده آمریکایی:**
**رئیس‌جمهور فعلی آمریکا یک کلیشه بیش‌ازحد باورناپذیر دلقک، حراف، حقه‌باز و بیمار روانی است که به طرز خام‌دستانه‌ای از نمایشنامه «شاه اوبو» نوشته آلفرد ژاری، نمایشنامه نویس فرانسوی که سردمدار تئاتر ابزورد بود، کش رفته است!**

## رویداد ادب رخداد فرهنگ

### اهل مانیفست دادن نیستم

محمدرضا بایرامی تعدادی از آثار قدیمی خود ازجمله دو کتاب اثرگذار «دشت شقایق‌ها» و «هفت روز آخر» را که شامل روزنوشت‌های او از سال‌های حضورش در جبهه است بازچاپ کرده است.

به همین مناسبت، خبرگزاری مهر گفت‌وگویی با او انجام داده است که بخشی از آن را می‌خوانید: من در داستان‌نویسی اهل مانیفست دادن نیستم اما «هفت روز آخر» و ماجراهایش که در آن عینا مرگ را تجربه کردم، برایم آن‌قدر اساسی و مهم بود که حس کردم اگر قرار است بهترین رمانم را بنویسم، باید بر مبنای این خاطرات باشد. بنابراین از سال ۶۸ شروع به نوشتن رمان «آتش به اختیار» کردم که اسم ابتدایی‌اش هم «گفتند آتش» بود و بخش‌هایی از آن در مجله ادبیات داستانی آن سال‌ها منتشر شد و خودش نیز ۲۰ سال بعد به صورت کامل. خیلی از تجربیاتی از این دست که در «هفت روز آخر» هست راحت به دست نمی‌آید و من سعی کردم از آن بهترین استفاده را بکنم.

من دو مدل کار دارم. سعی کرده‌ام همیشه با صداقت و صراحت کارم را به جلو ببرم. نگاه امروزم را به گذشته تعمیم نمی‌دهم و نتیجه‌گیری امروزم در روایتم از گذشته تأثیر ندارد. به همین علت، دو کتاب «دشت شقایق‌ها» و «هفت روز آخر» که در یک سال منتشر شدند حاوی دو روایت خاص و دو زبان و شیوه بیان متفاوت از هم هستند. من تلخی اجتناب‌ناپذیر یکی را به دیگری تعمیم ندادم. اتفاقی که برای من و خیلی از نویسندگان رخ داد این بود که بخشی از داستان‌هایمان در زمان جنگ نوشته شد و هنوز تکلیف کار برای کسی روشن نبود. به همین علت، هم‌راستا با جریان تدافعی جامعه، برخی از این آثار نه تبلیغی، که تهییجی نوشته شدند. من هیچ‌وقت اثری تبلیغی ننوشته‌ام اما سعی کرده‌ام اثری بنویسم که در قالب تهییج مخاطب، از خشونت تحمیل‌شده حماسه بسازد. این اتفاق زمانی رخ داد که دود جنگ هنوز بلند بود و نمی‌دانستیم چه آینده‌ای در انتظار ماست. بعد از جنگ فضای شگفت‌انگیز و عجیبی پیش رو داشتیم که فرصت تفکر و تحلیل می‌داد و می‌توانستیم آنچه دیده‌ایم بازهضم کنیم؛ مثلا فکر کنیم فلان کار درست بود یا نه. آن‌قدر موضوع متنوع بود که می‌شد هر نویسنده از میانشان انتخاب کند و بنویسد. من هم دست به انتخاب زدم و به همین علت، برخی از فضاهای کاری تغییر کرد تا برخی حرف‌ها زده شود. ما در آن سال‌ها انبوهی از حوادث را شاهد بودیم. من هم به بسیاری از آن‌ها نقد داشتم و سعی کردم آن‌ها را روایت کنم.

### ستاره «ناخواسته» در مشهد

هم‌زمان با عید سعید فطر، پردیس سینمایی گلشن میزبان بازیگر و جمعی از عوامل فیلم سینمایی «ناخواسته» است. «ستاره اسکندری» بازیگر خراسانی این فیلم همراه با همکارانش پنجشنبه شب به مشهد خواهد آمد و همراه با علاقه‌مندان به سینما به تماشای «ناخواسته» خواهد نشست.

فیلم «ناخواسته» از امروز دیگر سرگروه نیست و جای خود را به فیلم «دلم می‌خواد» بهمن فرمان‌آرا داده است. به نظر، این آخرین تلاش‌ها برای بالا بردن فروش و جلب مخاطب برای این فیلم اجتماعی در سینماست.

«ناخواسته» در بدترین زمان ممکن در دوره‌های اکران، یعنی فصل امتحانات و تعطیلی‌های ماه رمضان به روی پرده رفته است.

### دومین جایزه جهانی «آقای گوزن»

پویانمایی «آقای گوزن» به کارگردانی مجتبی موسوی، فیلم‌ساز و انیماتور مشهدی، جایزه ویژه بخش رقابتی کوتاه جشنواره پویانمایی «زاگرب» کرواسی را دریافت کرد.

این جشنواره قدمتی ۴۶ ساله دارد و دومین جشنواره قدیمی دنیا ویژه پویانمایی است و مهم‌تر از جشنواره‌های انسی فرانسه و هیروشیمای ژاپن محسوب می‌شود. آقای گوزن، اولین جایزه جهانی خود را در جشنواره بین‌المللی فیلم فجر دریافت کرده‌است.

# با «ادب» و «دبستان» آغاز کردیم

نگاهی به تاریخچه نشریه‌های ادبی مشهد به مناسبت فرا رسیدن سالروز گشایش خانه مطبوعات ایران

گفت‌وگو

فاطمه خلخالی استاد| گرچه روزنامه‌نگاری و کار مطبوعات در هر حوزه‌ای که انجام بگیرد با ادبیات پیوند می‌خورد، نشریات ادبی به طور خاص به مقوله ادبیات می‌پردازند و طیف خوانندگان خود را دارند. زبان و رویکرد چنین مطبوعاتی ادبی‌تر است. از همین روست که از زمان ظهور نخستین نشریه ادبی تاکنون، روزنامه‌ها و رسانه‌های مکتوب غیرادبی نیز از این شاخه مطبوعاتی تأثیر گرفته‌اند چنان‌که هم‌اکنون در بسیاری از نشریات غیرادبی، صفحه، ستون یا قسمتی به ادبیات اختصاص دارد.

سابقه مطبوعات ادبی در ایران به حدود ۱۵۲ سال و در مشهد کمابیش به ۱۱۹ سال می‌رسد. در این ۱۱۹سال، ۶۴ نشریه ادبی دولتی و خصوصی با عنوان‌های مختلف در مشهد به چاپ رسیده است.

صفحه «ادبستان» روزنامه شهرآرا به‌مناسبت فرا رسیدن سالروز گشایش خانه مطبوعات ایران (۲۳ خرداد ۱۳۴۷) نگاهی به تاریخچه نشریات ادبی در مشهد داشته است.

### «ادب» از تبریز به تهران رسید

قدیمی‌ترین نشریه ادبی ایران «روزنامه ملت سنیه ایران» نام داشت که در سال ۱۲۴۵ با مدیریت و سردبیری علیقلی‌میرزا اعتضادالسلطنه منتشر شد و پس از سه شماره، نامش به «روزنامه ملتی» تغییر کرد. این نشریه تا سال ۱۲۴۹ با چاپ زندگی‌نامه شاعران و اشعار آن‌ها به کار خود ادامه داد.

مطابق اسناد و اطلاعات مدیریت اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی، قدیمی‌ترین نشریه‌ای که در مشهد به چاپ مطالب ادبی پرداخت روزنامه «ادب» بود که در سال ۱۳۱۸ قمری برابر با ۱۲۷۸ خورشیدی به همت ادیب‌الممالک فراهانی، شاعر نامدار، انتشار یافت. در این روزنامه افزون بر قصاید بسیاری از شاعران نامی ایران در ستایش وطن و مدح ائمه اطهار(ع)، مطالب تاریخی، علمی و اقتصادی نیز انعکاس می‌یافت.

سایت کتابخانه و موزه ملی ملک اطلاعات بیشتری از این نشریه منتشر کرده است. طبق آنچه در این سایت آمده است، نخستین شماره این روزنامه در سال ۱۳۱۶ قمری در تبریز با نام «جریده الادب» و پس از آن با عنوان «ادب» انتشار یافته و طی دوسال، ۲۲شماره از آن چاپ شده است.

این روزنامه از سال ۱۳۱۸ قمری به مدت سه سال در مشهد فعالیت کرد. سپس اداره روزنامه به تهران انتقال یافت تا از ۲۷ رجب ۱۳۲۱ دوره جدید انتشار آن در پایتخت از سر گرفته شود.

### ظهور نشریات ادبی تخصصی در خراسان

اما اگر بخواهیم از قدیمی‌ترین نشریه‌ای که در مشهد به صورت تخصصی وارد حوزه ادبی شده است نام ببریم، به استناد مدارک مدیریت اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی، به مجله «دبستان» در سال ۱۳۰۱ می‌رسیم که سید حسن مشکان طبسی آن را تأسیس کرده است.

سایت دانشنامه مشهدالرضا مشهد را دومین شهر ایران (پس از تهران) می‌داند که نشریه‌ای با مطالب گوناگون به‌ویژه ادبی در آن پدید آمده است (روزنامه ادب). بر پایه این منبع، ظهور نشریات ادبی به شکل امروزی آن، با انتشار مجله‌های «بهار» و «دانشکده» در تهران، سپس مجله «دبستان» در مشهد بوده است: «دبستان» سومین مجله ماهانه ادبی در ایران و نخستین مجله ادبی خراسان است که چندین سال منتشر شد و توانست تأثیری مثبت بر مخاطبان خود بگذارد.

«شرحی بر مجله ادبی دبستان»، نوشته محمدحسین رفیعی، عنوان مطلبی است که در سایت کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی آمده است. رفیعی در این شرح، یادداشت طبسی (مؤسس مجله دبستان) را نقل کرده که در شماره نخستین آن منتشر شده است: «دبستان» مجله‌ای است علمی و ادبی که نظر نویسنده[گان] آن به ترویج زبان فارسی امروزی است. این مجله بحث می‌کند از سایر مواضیع علمی و اجتماعی و درج می‌کند مقالات عام‌المنفعه را و داخل نمی‌شود در سیاسات خصوصی و موضوعاتی که ممکن است به اشخاص برخورد کند.

چه این مسائل از شقوق جراید یومیه است ... . دبستان بر ضد این عقیده است که باید در زبان فارسی تصرفی شود و به فرس قدیم مثلا رجوع شود بلکه اصرار می‌ورزد که همین زبان ادبی امروزی با تمام الفاظ و ترکیباتش ضبط و تدوین گردد (ش. ۱، ص. ۴).

### آستان قدس رضوی، پیش‌گام، دانشکده ادبیات، بادوام

براساس اطلاعاتی که مدیریت اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی در اختیار شهرآرا گذاشته است، از مجموع ۶۴ نشریه ادبی که طی حدود ۱۲۰سال روزنامه‌نگاری خراسان به چاپ رسیده‌اند، ۱۷ نشریه پیش از انقلاب اسلامی و ۴۷ نشریه پس از آن منتشر شده که آستان قدس رضوی با چاپ ۹ نشریه، پیش‌گام چاپ نشریات ادبی بوده و دانشگاه فردوسی نیز مهم‌ترین مجله‌های ادبی را در این حوزه منتشر کرده است.

«مجله دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد» تنها نشریه ادبی‌ای است که از سال ۱۳۴۴ و پیش از انقلاب اسلامی فعالیت خود را آغاز کرده و تا سال ۱۳۸۷ با نام‌هایی شبیه این منتشر شده است. این مجله از سال ۱۳۸۸ تغییر رویه داد و به ۹ مجله تخصصی در حوزه علوم انسانی تقسیم شد.

پس از این نشریه با تجربه نیم قرن انتشار، مجله «مترجم» با بیش از ۲۵سال، مجله «آموزش زبان و ادبیات» با ۱۸ سال، فصلنامه «پاژ»، «پیک فرهنگ»، «خط سوم»، «نگاره» و «تئاتر در گذر زمان» با حدود یک دهه تجربه باسابقه‌ترین نشریات ادبی یا با گرایش‌های ادبی در مشهد هستند. از «مجله دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد»، «مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد» و فصلنامه «پاژ» می‌توان به عنوان نشریات مهم ادبی این شهر پس از انقلاب نام برد.

### هزینه‌های مالی و گاهنامه‌شدن مطبوعات

یکی از ضروری‌ترین عوامل در اداره نشریات ادبی وجود نیروهای متخصص است، افرادی که در حوزه ادبیات آگاهی و تسلط کافی داشته باشند. از نمونه نشریات ادبی مشهد که گردانندگانش، دست‌کم در مقطعی، اهالی ادبیات این شهر بوده‌اند می‌توان به «هنر اولیا» و «دال» اشاره کرد که در دهه ۸۰ منتشر می‌شدند. مدیرمسئولی «هنر اولیا» بر عهده محمدمهدی عرفانیان بود که با رویکرد پرداخت به هنرهای گوناگون اعم از شعر و داستان و سینما و هنرهای تجسمی فعالیت می‌کرد اما در مقطعی، به حوزه ادبیات توجه ویژه‌تری نشان داد.

«دال» نیز به مدیریت پژمان گلچین انتشار می‌یافت که رویکردی فرهنگی، هنری و ادبی داشت.شاید بتوان گفت ماهنامه تئاتر، سینما و ادبیات «بارثاوا» که نخستین شماره آن در زمستان سال ۱۳۹۵ در پیشخوان باجه‌های مطبوعاتی قرار گرفت هم‌اکنون تنها نشریه‌ای است که به واسطه حضور جمعی از فرهیختگان ادبی مشهد در آن توانسته است به‌خوبی در حوزه تخصصی ادبیات فعالیت کند. اما به‌نظر می‌رسد از مهم‌ترین دلایل انگشت‌شماربودن نشریات تخصصی ادبی در مشهد، دغدغه تأمین هزینه‌های تهیه مطلب و نشر باشد که در دهه‌های گذشته، تعطیلی شماری از این نشریات یا گاهنامه شدن برخی از مطبوعات دوره‌ای را در پی داشته است.

به نظر می‌رسد از مهم‌ترین دلایل انگشت‌شمار بودن نشریات تخصصی ادبی در مشهد، دغدغه تأمین هزینه‌ها باشد

نماشهر

مصطفی عباسی

# گلفروشی با گلفروش ها

**به همت شاخه جوانان حزب ندای ایرانیان خراسان رضوی، خیریه مردم نهاد «طرح یاری» و با هماهنگی معاونت فرهنگی منطقه ۱۱ برای برخی کودکان پرتلاش مشهدی متفاوت رقم خورد. اعضای جوان این مجموعه در معابر به جای کودکان کار گل فروختند تا مدتی هرچند کوتاه در کنار و همراه آن‌ها باشند.**

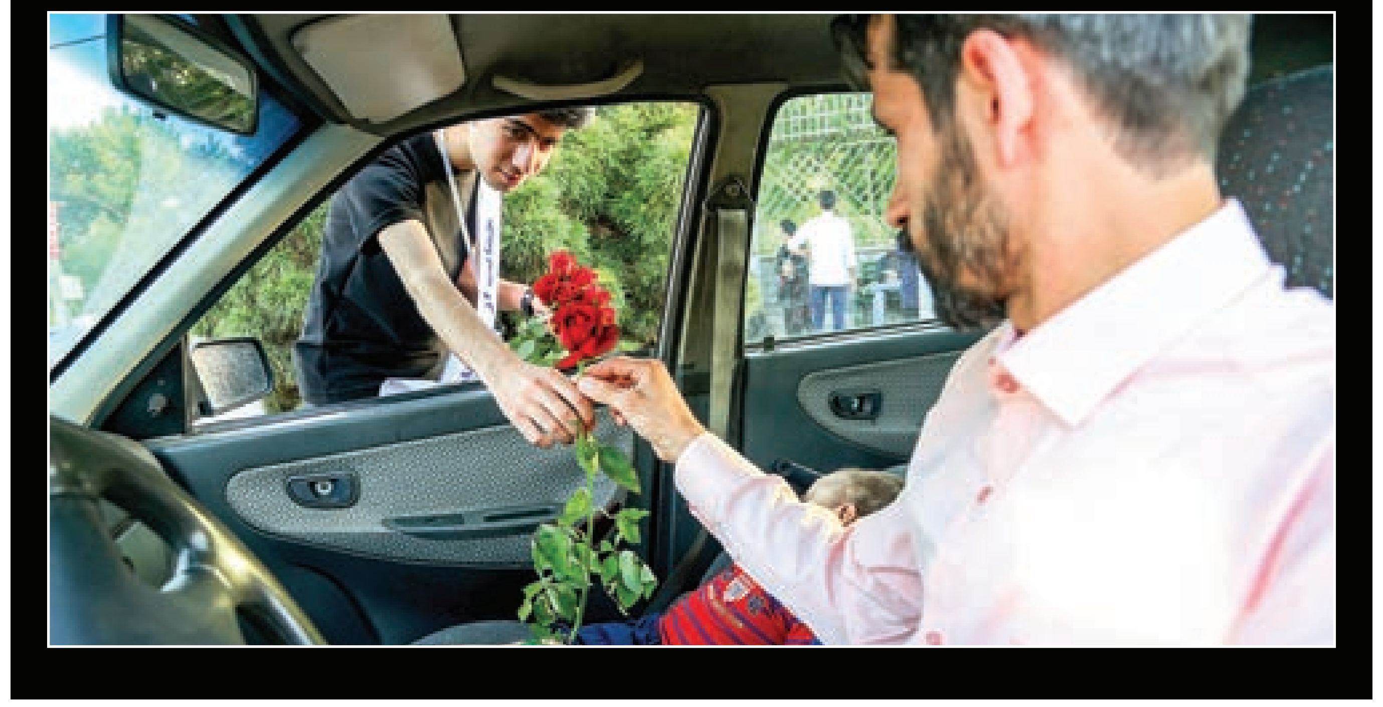

# تراژدی صحنه

گفت‌وگو با بازیگر پیش‌کسوت مشهدی که همشهری‌هایش او را با سریال عاشقانه می‌شناسند

مریم قاسمی

شاید این یک تراژدی تمام‌عیار برای پیش‌کسوت تئاتر باشد که بعد از ۴۵ سال خاک صحنه خوردن و بیش از ۱۵۰ اجرای تلخ و شیرین روی صحنه، کار در یک سریال خانگی از او چهره‌ای بسازد تا مسیر ۶ دقیقه‌ای محل کار تا خانه به خاطر عکس و امضا گرفتن مردم یک ساعت طول بکشد! علیرضا سوزنچی که متولد ۱۳۳۴ است فعالیت هنری خود را از سال ۱۳۵۰ آغاز کرد و با سریال عاشقانه بین مردم مطرح شد، به‌تازگی در فیلم «دختر دیروزی» با حمید لولایی و مجید مشیری هم‌بازی بوده و پیشنهاد دو سریال را هم پذیرفته و قرار است در اولین فرصت سر ضبط حاضر شود.

در گفت‌وگوی صمیمانه‌ای که با این پیش‌کسوت تئاتر مشهدی ترتیب دادیم از آخرین فعالیت‌های تئاتری و تلویزیونی‌اش جویا شدیم و گپ و گفتی هم درباره اوضاع تئاتر و سینمای مشهد داشتیم.

**به‌نظر می‌رسد بیشتر تئاترهای شهرمان را دنبال می‌کنید.**

بله. تقریبا به تماشای همه کارهای نمایشی می‌روم و دنبالشان می‌کنم.

**بعد از ۴۵سال تمام که روی صحنه تئاتر بودید فضای کار این روزها را در مشهد چطور می‌بینید؟**

معتقدم فضا نسبت به گذشته خیلی بهتر شده است. همین را بگویم که زمان ما برای تئاتر کار کردن باید از هفت‌خان رستم عبور و مقابل خیلی چیزها استقامت می‌کردیم. اما حالا در تئاتر به روی همه گشوده شده است. جوان‌های با استعداد و خوش فکری هم داریم که فضای اجتماعی وسیعی در اختیار دارند. این امکانات زمان ما وجود نداشت. جوان‌ها امروز هر چقدر بخواهند می‌توانند روی صحنه بروند. خوشبختانه استقبال مردم هم خوب شده است. همین که تماشاچی، امروز بلیت می‌خرد و به سالن می‌رود و سالن‌های تئاتر تقریبا هر شب پر می‌شود، اتفاق خوبی است.

**حرفتان به جوان‌های روی صحنه تئاتر چیست؟**

بهشان می‌گویم با یک کار خوب به خودشان غره نشوند. تئاتر مثل بازی جام جهانی است. حالا یک مسابقه را هم بردی؛ مردم منتظر بازی بعدی هستند.

**آن‌طور که شنیدیم در کلاس‌های آموزشی‌تان بیشتر روی گرفته شدن لهجه بازیگران کار می‌کنید. شاید این به‌دلیل چالش‌هایی باشد که خودتان به عنوان بازیگری شهرستانی در تهران با آن روبه‌رو بودید.**

بله همین‌طور است. در کلاس تأکید زیادی روی این موضوع می‌کنم. لهجه داشتن بازیگر ممکن است موقعیت‌های زیادی را از او بگیرد. برای همین با تمرینات بیشتر در زمینه صداسازی و فن‌بیان سعی دارم این مانع را از سر راه بازیگران بردارم. خود من سر کار «عاشقانه» با چنین چالشی روبه‌رو بودم. وقتی به من پیشنهاد کار دادند، حتی بعد از آنکه تست لباس هم گرفتند، از من خواستند دوباره به دفتر بروم چون شنیده بودند مشهدی هستم و می‌خواستند از لهجه نداشتن من مطمئن شوند. وقتی رفتم و آنجا از سابقه کار من مطلع شدند عذرخواهی هم کردند. ولی به هر حال این یک چالش جدی برای بازیگران محسوب می‌شود. بازیگر باید بدون هیچ نشان جغرافیایی پشت دوربین برود مگر در موقعیت‌هایی که بر این جغرافیا و لهجه تأکید شود.

**در یکی دو سال اخیر یکی از سالن‌های خوب تئاتر مشهد(شهید هاشمی‌نژاد)را از دست دادیم.**

مشکل ما همین است که دوست داریم توی زمین دیگران بازی کنیم؛ آن سالن اصلا مال ما نبود. همین حالا سالن‌های تئاتر پارک ملت در حوزه مالکیت شهرداری قرار دارد. دو روز دیگر بعید نیست این را هم از ما بگیرند. تئاتر مشهد باید امکانات خودش را داشته باشد. مسئولان ارشاد باید در این زمینه کار جدی بکنند.

**درباره آخرین اجرای صحنه‌ای‌تان در تهران بگویید.**

آخرین اجرای تئاترم جن‌گیر بود که در کنار خانم بهاره رهنما، در سالن امام‌رضا(ع) تهران اجرا داشتم. تئاتر خوبی بود و استقبال مطلوبی از آن شد.

**با کار کردن در تهران و در کنار بزرگان تئاتر کشور چه مقایسه‌ای می‌توانید درباره تئاتر مشهد داشته باشید.**

مقایسه درست نیست چرا که امکانات و تجهیزات تهران را نداریم. همین الان اگر همه پروژکتورهای سالن‌های تئاتر مشهد را روی هم بگذاریم، تجهیزات نوری یک سالن تهران نمی‌شود. این موضوع همیشه مانع اجراهای درست و حسابی می‌شود.

**یعنی به فرض یکسان بودن امکانات تئاتر مشهد به اندازه تهران قدرت دارد؟**

همین را بگویم که بچه‌های مشهد در بازی، کارگردانی و خلاقیت هیچ چیزی کم ندارند. تنها مشکل در تئاتر مشهد نداشتن امکانات و حامی است.

**اجرای «به آسمان نگاه کن» در خارج از کشور چه تجربه‌ای برایتان به همراه داشت؟**

استقبال از این نمایش در دو کشور اتریش و ترکیه تجربه متفاوتی برای من بود. ایرانی‌هایی که این نمایش را تماشا می‌کردند با چشم‌های گریان می‌آمدند و می‌گفتند «شما بعد از ده‌ها سال ما را به ایران بردید، به حرم امام رضا(ع) بردید» فکرش را هم نمی‌کردم تا این حد از نمایش ایرانی استقبال شود چون تصور این بود که مردم بیشتر کنسرت و موسیقی دوست دارند.

متأسفانه اتفاقات سینمایی در مشهد بسیار کم است و کارهایی هم که صورت می‌پذیرد با بضاعت بسیار کم به مرحله تولید می‌رسد

**نقطه اوج کارتان چه زمانی بود؟**

از سال ۵۹ تا ۷۰ بهترین دوره کاری من بود که نقش‌های بسیار خوبی در کارهایی چون «خانات»، «شقایق»، «شنا در آتش» و ... گرفتم.

**پذیرفتن پیشنهادهای اخیرتان برای بازی در دو سریال شبکه‌های سراسری، یک جور استراحت بعد از ۴۵ سال سختی کار تئاتر نیست؟**

شاید این‌طور باشد اما نه کاملا. کار سریال هم سختی‌های خودش را دارد. گاهی وقت‌ها لازم است تا بعد از نیمه شب سر ضبط بمانم و چالش‌هایی که ممکن است در کار با آن‌ها روبه‌رو باشم.

**برای شما رنج‌آور نبود که پس از سال‌ها کار تئاتر، دو سریال اخیرتان شما را بین مردم مطرح کند.**

این واقعا رنج‌آور است که در این ۴۵ سال کسی سراغ من و امثال من را نگرفته و حالمان را نپرسیده است. نمی‌دانم قاب تلویزیون چه جادویی دارد که بعد از این همه خاک صحنه خوردن، بازی در یک سریال مرا به مردم شناساند.

**از فعالیت‌های سینمایی مشهد مطلع هستید؟**

متأسفانه اتفاقات سینمایی در مشهد بسیار کم است و کارهایی هم که صورت می‌پذیرد با بضاعت بسیار کم به مرحله تولید می‌رسد. وقتی تله‌فیلمی که باید با حداقل بودجه ۱۰۰ میلیون ساخته شود را با ۱۵ میلیون تومان می‌سازند، واضح است خروجی کار چه خواهد بود.

**احسان علیخانی:**
**امسال کار به جایی رسید که یکی دو مرتبه از فرط خستگی، از ادامه برنامه ماه عسل منصرف شدیم، ولی وقتی لطف بی‌نهایت مردم را دیدیم، احساس کردیم که باید با قدرت به کار ادامه دهیم.**

# شکست «حقیقی»

نگاهی به فیلم «خوک» که این روزها درحال اکران است

نقدفیلم

شکیبا افخمی‌راد| مانی حقیقی، کارگردان عجیب و غریبی است او هم می‌تواند ۵۰ کیلو آلبالو بسازد و هم اژدها وارد می‌شود را روی پرده می‌برد. در واقع او هم از پس ساخت فیلمی کاملا عامه‌پسند برمی‌آید، هم می‌تواند فیلمی بسازد که حرف جدیدی برای گفتن داشته باشد و مخاطب خاص سینما را راضی کند. حقیقی حال به سراغ فیلم «خوک» رفته‌است.

فیلمی که نه مخاطب عام را راضی و نه انتظارات مخاطب خاص را برآورده می‌کند. فیلمی که نه به اندازه «۵۰کیلو آلبالو» کمیک است و نه به اندازه «اژدها وارد می‌شود» عجیب و مرموز.

این فیلم اولین نمایشش را در جشنواره فیلم برلین پشت سرگذاشت و درنهایت دست خالی از این جشنواره بازگشت.

براساس آمار سایت سینماتیکت، خوک در پنج هفته‌ای که در ۴۱ سالن اکران بوده‌است تنها توانسته است حدود ۸۰ هزارنفر را به سینما بکشاند و فقط نزدیک به یک‌میلیاردتومان فروخته است و این قطعا فروش خوبی نیست و شکست حقیقی محسوب می‌شود.

### قتل سریالی کارگردانان

«خوک» روایتگر داستان یک کارگردان سینما به نام حسن کسمایی (حسن معجونی) است که مدتی است ممنوع الکار شده، از همین‌رو به ساخت تیزرهای تبلیغاتی روی آورده است. زمانی که او از لحاظ کاری و زندگی شخصی‌اش تحت فشار روحی قرار دارد، قاتلی در شهر پیدا می‌شود که کارگردانان و هنرمندان مطرح را به قتل می‌رساند.

با افزایش تعداد مقتولان، حسن کسمایی درگیر سؤالی می‌شود که چرا قاتل به سراغ او نمی‌آید. به نظر کسمایی او از بسیاری از کارگردانانی که به قتل رسیده‌اند مطرح‌تر و معروف‌تر است و قاتل اگر می‌خواهد کارش را درست انجام دهد باید به سراغ او بیاید. در کنار این مسائل حسن کسمایی در زندگی شخصی‌اش هم دچار مشکل شده‌است، همسرش لیلی رشیدی دیگر او را دوست ندارد، در عین حال نیز حسن عاشق یک بازیگر است که به دلیل ممنوع‌الکاری او به کار با کارگردان دیگری (علی مصفا) روی آورده‌است.

همین موضوع کسمایی را با احساس خشم و حسادت روبه‌رو کرده است. از طرفی مزاحمی (پریناز ایزدیار) همه جا او را تعقیب می‌کند و می خواهد به این کارگردان ثابت کند که به او علاقه‌مند است.

### فیلمی که در میانه شکست خورد

فیلم «خوک» تا میانه فیلم می‌تواند به خوبی مخاطب را با خود همراه کند، اما درست از نقطه دستگیر شدن کسمایی به عنوان مظنون قتل‌های سریالی، افت می‌کند و مخاطب را سردرگم می‌کند و درنهایت در نقطه‌ای ضعیف و صحنه‌های پایانی پر از خون به پایان می‌رسد. «خوک» هم طنز است هم عاشقانه، هم جنایی، اما متوسط.

در این میان حتی جذابیت‌های بصری و هنری فیلم نیز نتوانسته‌است، آخرین ساخته حقیقی را نجات دهد. همچنین در شخصیت‌پردازی فیلم تنها شخصیت اصلی فیلم، حسن کسمایی به خوبی از آب درآمده است و باقی نقش‌ها دچار ضعف شخصیت‌پردازی هستند. خوک پر از طعنه و کنایه است که برخی از آن‌ها را به خوبی به تصویر کشیده است و برخی شکست خورده‌اند.

اما برجسته‌ترین موضوعی که در این فیلم به خوبی به آن پرداخته شده، نقش شبکه‌های اجتماعی در زندگی روزمره ماست.

آدم‌هایی که بدون داشتن اطلاعات درمورد همه موضوعات نظر می‌دهند و باعث به وجودآمدن حواشی منفی برای دیگر افراد می‌شوند، معضل این روزهای دنیای ماست که فیلم «خوک» به درستی آن را بیان کرده‌است.

در مجموع «خوک» با یک ایده خوب که درست پرداخت نشده و تعداد محدودی سکانس جذاب، فراتر از یک فیلم متوسط نمی‌رود و آن را می‌توان بازگشت به عقبی برای مانی حقیقی دانست.

بازتاب

## تولید «مشتی باش» در مشهد

یک مجموعه شاد به‌زودی مهمان خانه‌های همشهریان خواهد شد

فرهنگستان

«مشتی‌باش» قرار است یک مجموعه شاد با آیتم‌های خیرخواهانه باشد که حول محور گفت‌وگو با مهمان‌های برجسته‌ای که در عرض ارادت علنی و عملی به ساحت امام مهربانی‌ها امام رضا(ع) قدمی برداشته‌اند، اجرا شود.

نام این برنامه که با تکیه بر احادیث امام هشتم برای ترویج فرهنگ نیکوکاری تولید می‌شود از تعریف مشتی و مشتی‌گری گرفته شده است. مستندهای کوتاه از محل قدیم زندگی مهمان‌ها از جذابیت‌های این برنامه تلویزیونی است که ویژه مدعوین مشهدی است.

این مجموعه شاد سه شب در هفته تا اول ماه محرم ساعت ۲۱ از سیمای شبکه خراسان رضوی و هم‌زمان دریکی از شبکه‌های سراسری پخش خواهد شد. این برنامه با کارگردانی سامان سالور و اجرای علی اوجی در مشهد تولید می‌شود.

گفتنی است استاندار خراسان رضوی و برخی از مسئولان استان از جمله شهردار مشهد نیز از مراحل ساخت این مجموعه بازدید کردند.

خبر

## تغییرات در جدول اکران

بنا بر آنچه که جدیدا از سوی شورای صنفی نمایش اعلام شده، قرار است در تازه‌ترین سری اکران از امروز (چهارشنبه ۲۳ خردادماه) سه فیلم سینمایی جدید به نمایش گذاشته شود.فیلم‌های «دشمن زن»، «دلم می‌خواد»، «در وجه حامل» جایگزین «تگزاس»، «ناخواسته» و«آن سوی ابرها» خواهند شد.

پیش‌تر از سوی این شورای اعلام شده بود ۷ فیلم «دارکوب»، «در وجه حامل»، «دلم می‌خواد»، «خاله قورباغه»، «لازانیا»، «دشمن زن»، «شماره ۱۷سهیلا» روی پرده خواهند رفت که تا الان اکران سه تا از آن‌ها قطعی شده‌است. اما در خبرهایی فیلم سینمایی «به وقت خماری» -که در میان این ۷ فیلم نبود- قرار است جایگزین لازانیا شود. گفته می‌شود لازانیا به خاطر ممیزی‌هایی که دچارش شده است، به اکران نمی‌رسد. بر این اساس فیلم تازه محمد حسین لطیفی، به جای لازانیا جایگزین «عصبانی نیستم» خواهد شد.

«به وقت خماری» پیش از این قرار بود پس از پایان برگزاری مسابقات جام‌جهانی ۲۰۱۸ روی پرده برود. «به وقت خماری» یکی از آثار پربازیگر چند سال اخیر سینما محسوب می‌شود.